

۲۱۰۵۴۵۵

پرداختی نو به

مختصر قرآنی

نویسنده: محمد سیمانی



انتشارات آذوق

www.Aryannashir.ir
Aryannashir@yahoo.com

سرشناسه	: سیمزاری، محمد، ۱۳۴۹
عنوان و نام پدیدآور	: پرداختی نو به پنج قصه قرآنی / نویسنده محمد سیمزاری
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۵۶ ص.
شابک	: ۵ - ۸۴۴ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ .
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
موضوع	: قرآن - قصه‌ها - داستان‌های مذهبی
موضوع	: Quran stories - Religious fiction
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian - 20 th century
رده بندی کنگره	: BP ۸۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۱.۲۱۵۶
شماره کتابخانه ملی	: ۶۰۳۳۲



پرداختی نو به پنج قصه قرآنی

مؤلف: محمد سیمزاری

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

۱۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Ar vannashr.ir

بسمه تعالی

فهرست مطالب

۵		مقدمه
۹		کسی صدای عنکبوت را شنید
۱۹		خوش به حال قورباغه
۲۹		همیشه کسی هست
۳۷		خورشید در سرزمین سلیمان، غروب نمی کند
۴۹		گرگ پیگانه

مقدمه

«تَحْنُ نَقْصَ نِيكَاءِ عَسْرَ الْقَصَصِ» (سوره یوسف آیه ۳)

قرآن مجید به داستان‌ها، خود، عنوان «قصص» داده است و بنا به گفته طبرسی در مجمع البیان فی تفسیر القرآن، «قصص خبری است که بعضی پشت سر بعضی باشد از ارباب دذشتگان؛ آنجا که می‌گوید «القصصُ الخبرُ یتلو بعضه بعضاً من اخبار من تقدّم»

خداوند با ذکر قصه پیامبران، نام نیکوکاران را حفظ فرموده و خود را دوستدار محسنین معرفی کرده و کفار و منافقین هر ملت و قومی را به ذلت و خواری، تحقیر و تقبیح فرموده است. عاقبت یاری تعالی عاقبت کفر کفار، عاقبت نفاق منافقین، عاقبت کذب مجذبین، عاقبت احسان محسنین، عاقبت پرهیز پرهیزکاران و بالاخره عاقبت خرد گفتار، پندار و کردار نیک و عاقبت زشت اعمال پلید و زشت را در قالب قصه بیان می‌دارد و به صراحت متذکر می‌گردد که (فاعتبروا یا اولی الابصار)؛ یعنی عبرت بگیرید ای کسانی که چشم بصیرت دارید. قرآن مجید که خود معجزه‌های عظیم بین معجزات الهی است از قصه برای هدایت بشر سود جسته است.

خداوند این داستان‌ها را با گفتاری روشن و اسلوبی حکیمانه و الفاظی شیوا و شگفت انگیز بیان می‌فرماید تا مردمان را به اخلاق پسندیده و ایمان صحیح فرا خواند و به راه راست هدایت کند؛ اما بسیاری گمراهانی که این قصه‌ها را که در نهایت تعالی و کمال راه سعادت را می‌نمایند رها کرده به قصه‌های باطل رو می‌کنند.

قصه‌های قرآنی که مشتمل بر اصول اخلاقی و انسانی هستند، طبعاً رای‌آریند و حکمت و آداب را اشاعه می‌دهند و راه‌های مختلف تهذیب را می‌نمایند و گاهی در قالب گفتگو و یا زمانی در قالب هشدار و انداز بیان می‌توانند چون تازیانه‌ای باشند که بر پلیدی‌های روح بشری فرو می‌آیند. روح بشر را از دست آن پلیدی‌ها می‌رهانند و در نهایت موجب درسی پالایی، تطهیر وجود آدمی می‌شوند.

این قصه‌ها که در واقع نه انتقادات افتاده بر پیشینیان است بر خلاف قصه‌های ساخت بشر که سرانجام فقط مناسب یک گروه سنی می‌باشد، برای تمامی گروه‌های سنی از کودک خردسالی که تازه زبان یاد می‌گیرد، گرفته، تا پیرمرد و پیرزنی که اعراب نفس‌های زندگی‌اش را می‌کشد، قابل استفاده و مفید است؛ به عنوان مثال قصه حضرت یوسف (ع) را اگر در نظر بگیریم، می‌بینیم که دوران کودکی حضرت با تم حسادت برادران آغاز شده و در انتها با تم بسیار جذاب حسن زلیخا ادامه می‌یابد. این داستان شگرف که قطعاً نام دیگری غیر از معجزه نمی‌توان بر آن گذاشت، پیام‌های متعددی از قبیل: عاقبت بد، حسادت، فرجام هوسرانی، سرانجام از یاد بردن خدا و دل بستن به غیرالله، مدیریت صحیح بر رعایا و صدها نکته دیگر را در بر دارد که هر کدام از

آنها به درد هر انسانی در هر سنی، می خورد.

لیکن امروزه متأسفانه در برخی موارد شاهد فاصله گرفتن نسل کودک و نوجوان و جوان از مفاهیم عالیه و انسان ساز قرآن هستیم و البته این اتفاق دلایل متعددی دارد که یکی از آنها می تواند تلاش کم نویسندگان و هنرمندان متعهد، برای ریختن مفاهیم قرآنی در قالب های نوین ادبی و هنری، باشد در حالیکه این مفاهیم متعالی، قابلیت فوق العاده ای برای تبدیل شدن به داستان، فیلم، سریال، انیمیشن (پویانمایی)، شعر و قالب های دیگر ادبی و هنری، دارند.

در میان قوالب متعدد متنوع ادبیات و هنر، قصه، علی الخصوص برای کودکان و نوجوانان، جایگاه و تأثیر ویژه ای دارد؛ البته در هر مرحله سنی انسان نیازمند قصه است، نیازمند سیر و سلوک در احوال و زندگی گذشتگان است و حتی نیازمند زیستن در فضاهای تخیلی است که خود آن را می آفریند تا بدین وسیله بتواند در خویشتن خویش و درباره حیات خویش و چگونه بودن و شدن خویش فکر کند؛ اما بهترین مقطع سنی برای تربیت، دوره کودکی و نوجوانی است. قصه، بهترین تأثیرگذارترین نقش خود را در زمان کودکی و نوجوانی انسان ایفاء می کند. حضرت رسول اکرم (ص) فرمود:

«قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»

دل نوجوان مانند زمین خالی است؛ هرچه که در آن القاء کنی، (بکاری) قبول می کند.

قصه، ظرفی است که ضمن جذاب بودنش، قادر است عالی ترین مفاهیم را در خود جا دهد؛ همچنانکه در آغاز این نوشته به قصص

قرآنی و نیز به "احسن القصص" اشاره گردید، دانشمندان علوم تربیتی و نیز تجربه بشری، ثابت کرده اند که کودکان و نوجوانان توانایی بالایی در برقراری ارتباط با فضاهای واقعی، تخیلی و فانتاستیک دارند. آنها از قدرت باورپذیری عجیبی برخوردارند که باعث "انیمیسیم" یا جاندارپنداری آنها می شود. وقتی آنها قصه ای را می شنوند یا می خوانند گویی با نویسنده قصه، یا قصه گو قراردادی می بندند که بسیاری از اتفاقاتی را که افتادنش در دنیای واقعی، محال است، بپذیرند ولی بعد از اتمام قصه ضدی بازگشت به عالم واقعی (رئال)، فقط نکات تربیتی قصه را در ذهن خود بجا می دارند. مثلاً یک کودک، به راحتی، حرف زدن یک کاراکتر جانور را می پذیرد و یا حتی وجود موجودات فوق بشری مانند دیو و غول را و این ویژگی منحصر به فرد این قالب هنری و ادبی است.

حال این ظرف با قابلیت، می تواند مفاهیم قرآنی را در خود جا دهد، هرچند خداوند متعال خود به حد کافی این قابلیت را به کار گرفته است اما جا دارد این قصه ها در قالب های جدید مانند قصه کودکانه، فیلم، کارتون (انیمیشن)، نمایش های کودکانه و غیره به نسل آینده ساز، انتقال پیدا کند چرا که ساخت آینده و سعادت جامعه اسلامی مقدور نیست مگر توسط کودکانی که با فرهنگ قرآنی بزرگ شده باشند.

محمّد سیمزای